

3854

۲۰۰۰

۱۴۹
سرمدی



سرشناسه: شاه‌محمدپور، صمد، ۱۳۵۵-
 عنوان و پدیدآور: چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟
 نویسنده صمد شاه‌محمدپور
 مشخصات نشر: قم: میراث انبیا (ع)، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری: ۱۴۹ ص.
 شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۳-۲-۹۸۵۳۸-۶۰۰-۹۷۸
 تیراژ: ۳۰۰۰
 تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۵
 موضوعات فهرست‌نویسی: فیثا
 موضوع: کودک‌کان -- سرپرستی
 Child rearing
 موضوع: فضائل حمیده
 Virtues
 موضوع: تربیت و رادگی جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 Domestic education -- Religious aspects
 موضوع: شناسه افزوده: مؤسسه مطالعات و پژوهش مدیریت راه روشن
 رده‌بندی کنگره: ۹۶ ش/ش HQ۷۷۲
 رده‌بندی دیویی: ۶۱۸/۹۲۸۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۱۸
 شابک: ۳-۲-۹۸۵۳۸-۶۰۰-۹۷۸

شماره تماس جهت سفارش کتاب:

۰۹۹۷۷۰۴۲۷۰

چگونه باورهای انسانی را در
شخصیت، فرزندانمان تثبیت و
تعزیت کنیم؟



فهرست

۱۲	 مقدمه
۱۹	 پیشگفتار
	مرحله اول
۲۳	 هنجارها
	مرحله دوم
۲۹	 ارزش‌ها
	مرحله سوم
۳۷	 فضیلت‌ها
۴۲	 فضائل انسانی
۱۲	 ۱- آزادی
۴۴	 ۲- نزاکت
۴۵	 ۳- خویشتن‌داری
۴۸	 ۴- بزرگواری

۵- درستکاری ۴۹

۶- شجاعت ۵۰

مرحله چهارم

باور چیست و چه کاربردی در زندگی انسان دارد؟ ۵۵

انواع باورها ۵۸

۱- باور اقتصادی ۵۹

۱- باور دینی ۶۰

۳- باور اجتماعی ۶۴

۴- باور شخصی ۶۷

۵- باور خانوادگی ۶۸

۶- باور اخلاقی ۷۰

باورهای انسانی ۷۲

الف) باورهای مثبت ۷۳

ب) باورهای منفی ۷۴

۱- کاهش انرژی ۷۴

۲- ناامید کننده ۷۴

۳- محدود کننده ۷۵

۴- تحقیر کننده ۷۵

چرخه باور ۷۶

مرحله اول؛ مشاهده ۷۹

مرحله دوم؛ یادگیری ۷۹

- مرحله سوم؛ آزمایش ۷۹
- مرحله چهارم؛ پذیرش ۸۰
- مرحله پنجم؛ تکرار ۸۰
- مرحله ششم؛ تشکیل باور ۸۱
- چگونگی شکل‌گیری باور ۸۱
- گام اول؛ باورها را شناسانیم ۸۲
- سؤال؛ از شناسند برخورد کردن به چه معناست؟ ۸۴
- الف) وقت نداشتن ۸۴
- ب) صرف هزینه (مالی) ۸۷
- ج) در اولویت قرار دادن ۸۹
- د) برخورد محترمانه ۹۱
- و) انجام کار به نحو احسن ۹۶
- هـ) برقراری ارتباط مداوم و مستمر ۹۷
- ی) مراقبت کردن (عدم رجحان موضوعات دیگر به موضوع اصلی) ۹۹
- گام دوم؛ دانش خود را نسبت به باورهایمان افزایش دهیم ۱۰۲
- چطور دانش خود را افزایش دهیم؟ ۱۰۸
- الف) افزایش اطلاعات ۱۰۸
- ب) تبدیل اطلاعات به موارد کاربردی ۱۰۸
- ج) دانش‌افزایی مداوم و مستمر ۱۰۹
- د) برقراری ارتباط با اندیشمندان ۱۰۹
- و) آگاهی از نظرات و آراء مختلف ۱۱۰
- هـ) مطالعه مداوم ۱۱۰

- گام سوم؛ در تعامل با باورها از احساسات استفاده کنیم ۱۱۱
- باورهای دروغین ۱۱۳

مرحله پنجم

- اعتقادات ۱۱۷
- حوزه متولیان امور اعتقادی مردم ۱۲۵
- الف) نخبگان دینی ۱۲۵
- ب) انشمنان و وعاظ ۱۲۶
- ج) مسئولین کدوری ۱۲۶
- رسانه ۱۲۷
- حاکمیت ۱۲۹
- حوزه تعاملات اجتماعی ۱۳۱
- حوزه خانواده ۱۳۲
- حوزه دشمن شناسی ۱۳۴

سخن نویسنده

خواننده محترم کتاب که پیش رو دارید، یک جلد از کتاب «چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟» است. نگارش کتاب حاضر به نوبی است که کاملاً ساده و کاربردی به موضوع یاد شده می‌پردازد و با ذکر مثال و ارائه پیشنهادات مختلف به والدین عزیز یاری می‌رساند.

البته لازم به ذکر است در تمام این نگارش جنسیت و مقاطع مختلف تحصیلی فرزندان در نظر گرفته شده است. کتاب‌های این مجموعه برای استفاده والدین در جهت راهنمایی فرزندان از دوره ابتدایی تا انتهای دوره دبیرستان تهیه شده است. البته کتاب‌های این مجموعه با وجود مشترک بودن جهت هدف، از نظر موضوع دارای مطالب مستقلی می‌باشند.

عناوین این کتاب‌ها عبارتند از:

- چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟
- چگونه فرزندان متعادلی در دوران بلوغ داشته باشیم؟
- چگونه فرزندان موفق در تحصیل داشته باشیم؟
- چگونه فرزندان باهوش و خلاق داشته باشیم؟
- چگونه فرزندان باحیاء داشته باشیم؟

- چگونه فرزندان خود را درک کنیم؟

- خودآگاهی

شاید بتوان گفت این کتاب‌ها مجموعه‌ای است آموزشی تا والدین ضمن فراگیری موضوعات مختلف از زندگی فرزندان و آشنایی با بخش‌های متنوع آن، با مباحث مهم تربیت فرزند به‌نحو کاربردی نیز آشنا شوند.

در نهایت، آفرازی همه ایرانیان عزیز، آرزوی من است.

سپاس‌گزاری

نگارش و تدوین این مجموعه کتاب‌ها بدون کمک همکاران و دستیاران من انجام نمی‌شد.

از خانمنا عطیه‌سادات غفوری و هانیه خزایی که سخنرانی‌ها را پیاده‌سازی نموده و مطالب را دسته‌بندی و با دقت نظر و زحمت، بسیار متشکرم.

همچنین از خانم فاطمه کرمی بابت آماده‌سازی کتاب برای چاپ و طراحی آن سپاس‌گزارم.

از همسرم برای همه عشق و محبت که نثار من کرد و در پیشبرد این مجموعه کتاب، مشوق من بود؛ و از فرزندانم امیرحسین و علی‌حسین که انگیزه اصلی من برای نگارش این کتاب‌ها بودند، متشکرم. این دو بهانه‌های ما برای جریان عشق در زندگی هستند.

شاه‌محمدپو



مقدمه

انسان موجودی است متفکر و خلاق که شاخص‌ترین نوع حیات را در بین دیگر موجودات زنده دارد. رَجودیت انسان دارای ابعاد مختلفی است. کالبد او مانند دیگر مواد تشکیل دهنده زمین از کربن، آب، آهن و ... تشکیل شده است؛ لذا از لحاظ مواد تشکیل دهنده بدن، بن او و سایر جمادات تفاوت چندانی وجود ندارد.

بُعد دیگر انسان، بُعد گیاهی اوست؛ چرا که و نیز مانند گیاهان به آب و غذا نیاز دارد و رشد می‌کند؛ لذا در این بُعد نیز تفاوت چندانی با گیاهان ندارد. بُعد دیگر انسان، بُعد حیوانی است. انسان همچون حیوانات متحرک است، تولیدمثل می‌کند و به صورت‌های جمعی و فردی می‌تواند زندگی کند، مانند سایر حیوانات خشمگین شده و یا احساس رضایت می‌کند؛ لذا در این ابعاد با سایر موجودات تفاوتی ندارد.

اما بُعد دیگر او که شاخص انسانیت اوست، بُعد انسانی است که این بُعد را هیچ موجود دیگری ندارد. انسان موجودی است خلاق و متفکر که یاد می‌گیرد و یاد می‌دهد. او دائماً در حال رشد و تغییر است، بر محیط تأثیر گذاشته و از محیط تأثیر می‌گیرد و برای خود بایدها و نبایدهایی را مشخص نموده و براساس آن زندگی می‌کند.

چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟

خالق جهان هستی نیز او را به عنوان اشرف مخلوقات انتخاب نموده و به او اجازه داده تا در اداره زمین و به قدر وسعت دانش و توانایی، بتواند سایر موجودات را به خدمت گیرد.

﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾

پس پر خیر و پاینده است خدایی که بهترین آفرینندگان است.^۱

﴿رَبِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾

من در زمین جانشین خواهم گماشت.^۲

بنابر این انسان مخلوقی است که در چهار بُعد را همیشه به همراه دارد و دائماً در حال ایجاد موازنه بین این چهار بُعد خلقت خویش است و اگر هر کدام از این ابعاد از حالت تعادل خارج شوند، انسان را بیمار می‌نامیم. اگر بر اثر کاستی در آهن خون دچار کمبود شود، همان قدر او را بیمار می‌نامیم که نتواند حرکت کند و یا اینکه نتواند تنفس خود را کنترل نموده یا اینکه قدرت تفکر خود را از دست بدهد؛ لذا ایجاد موازنه و تعادل در این ابعاد، همیشگی و از اهمیت بسیاری برخوردار است. لیکن آنچه که انسان را به آن می‌شناسیم، بُعد چهارم اوست که مشخصه و ویژگی خاص انسان است.

گفتیم که انسان موجودی متفکر و خلاق است، لذا می‌تواند مشکلات خود را با استفاده از تخیل و تفکر حل نموده و زندگی خود را بهبود بخشد. او دائماً سعی

۱. مؤمنون/ ۱۴

۲. بقره/ ۳۰

در برطرف کردن نیازهای خود دارد، چرا که همیشه با نیازهای جدید روبه‌رو است. روح انسان ذاتاً متعالی است؛ لذا سکون را نمی‌پذیرد و دائماً خواهان رشد است. در هر مکان و هر زمانی جوایای خواسته خویش است. آدمی به هر چیزی که بفع شود و نیاز او را برطرف کند، جذب می‌شود و آن را سودمند می‌داند.

سان زیباست و زیبایی را دوست دارد و خود نیز آفریننده زیبایی است. آدمی هر آنچه را که با طبع خویش سازگار ببیند، اختیار می‌کند؛ لذا خواسته انسان‌ها ناتمام و بی‌انتهاست. اما در انتخاب زیبایی، مختلف و دارای سلیقه گوناگون هستند و همین چیزها، نیازهای مختلفی دارند، بنابراین از داشته‌های مختلفی نیز برای رفع نیاز خود استفاده می‌کنند و از آنجا که دارای طبع و خصلت‌های متفاوتی هستند، سلیقه آن‌ها در خواسته‌ها و انتخاب‌هایشان نیز بسیار متفاوت است.

به همین منوال انسان از هر چیزی که آن را از دست پندارد یا اینکه آن را زیان‌بار ببیند و با طبع خویش ناسازگار ببیند، دوری می‌ماید این دور شدن یعنی به آن رغبت نشان نمی‌دهد، آن را یاد نمی‌برد، بهر حال می‌کند و در زندگی نیز به کار نمی‌برد.

لذا انسان را موجودی واحد با ابعاد چهارگانه شده و با عملکردی بی‌نهایت مختلف می‌توان تصور کرد. یک سر این موجود بی‌نهایت در بی‌جاء فی الارض خَلِيقَةٌ^۱ و یک سر دیگر آن

﴿...أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾

آن‌ها چون چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند، هم اینانند غافلان.^۲

انسان در طول سال‌ها زندگی آموخته است که برای پیشبرد اهداف خود، باید

۱. بقره/ ۳۰

۲. اعراف/ ۱۷۹

| چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟ |

دانش انجام کارها را داشته باشد؛ باید بداند تا بتواند.

توانا بود هر که دانا بود

ز دانش دل پیر برنا بود

لذا دانش آموزی و کسب علم را از دوران کودکی شروع نموده و همیشه نیز با خود به همراه دارد.

انسان نهایت هر دانش را کسب منفعت و خیر برای خود می بیند؛ به طور مثال نهایت دانش مکانیک را ساخت وسایل برای رفاه زندگی و نهایت دانش نظامی را پیروزی در جنگ می خواهد. اما همه این منفعت ها در انتها باید به هم برسند و یک جا جمع شوند.

لذا انسان محل تجمع همه خیرها، سعادت و خوشبختی می داند و سعادت را اوج خیر و منفعت سبب شده می داند و از آن لذت می برد. پس این موجود متفکر انسان نگاه آسمانی و معنوی نیز دارد، می کوشد تا نیکبخت و سعادتمند زندگی کند و الحق برای این کار نیز از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است.

اما سؤال این است که

+ سعادت و خوشبختی خود را از کجا تا کجا می داند؟!

+ مسیر سعادت خود را چگونه ترسیم کرده و چقدر توفیق از آن دارد؟!

+ آیا مسیر سعادت از تولد تا مرگ است؟!

+ آیا مسیر سعادت از تولد تا قیامت است؟!

+ آیا مسیر سعادت از تولد تا بهشت و جهنم است؟!

+ آیا مسیر سعادت از ازل تا ابد است؟!

بسته به نوع جهان بینی و نگرش انسان، مسیر سعادت و چگونگی آن نیز مشخص می گردد؛ لذا رفتارهای او نیز تابع تفسیر او از نیکبختی است.

انسان مادی سعادت را از تولد تا مرگ می داند!

انسان متدین سعادت را از ازل تا ابد می‌داند!

نکته مهم در این خصوص بیان این نکته است که چگونگی تعریف ما از مادت و نیکبختی موجب پدیدار شدن اصولی خواهد شد که تمام ارکان زندگی مادی، گاهی، حیوانی و انسانی ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و در همه سطوح و در همه امور تأثیرگذار خواهد بود؛ این اصول تأثیرگذار و مهم را باورها و اعتقادات می‌نامیم.

لذا تلاش می‌کنیم اعتقادات انسانی را زیبا، سودمند و مطبوع معرفی کنیم. بنابراین با شناخت این اعتقادات مختلف وجودی انسان می‌کوشیم باورها و اعتقادات انسانی را نیز با او هماهنگ نمود و او را نیز با این باورها و اعتقادات هماهنگ سازیم.

در این بخش، موضوع امان الهی و پیامبران الهی موضوعیت یافته و نقش انتقال این باورها و اعتقادات را به مردم ایفا می‌کنند. بدیهی است این اتصال از یک سو مخلوق را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر از جانب خالق انسان صورت می‌گیرد.

لذا آنچه خداوند متعال برای انسان در نظر گرفته، زیبا، سودمند و مطبوع او است.

+ همچون عدالت که زیبا و سودمند بوده و مطابق خواسته فطرت انسان است؛

+ همچون آزادی که زیبا و سودمند می‌باشد و مطابق خواسته فطرت انسان است؛

+ همچون مهربانی با والدین که زیبا و سودمند است و مطابق خواسته فطرت انسان است؛

+ همچون یکتاپرستی و عدم شرک که زیبا و سودمند است و مطابق خواسته و فطرت انسان نیز قلمداد می‌شود؛

چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟

✦ همچون خصلت گذشت که زیبا و سودمند بوده و مطابق خواسته و فطرت انسان است؛

✦ همچون رحم به دیگران که زیبا و سودمند است و مطابق خواسته و فطرت انسان است.

لذا اعتقادات و باورهایی که مبدأ و منشأ الهی دارند، همیشه دارای این سه خصلت می باشند و اگر دارای این خصلت نبودند، انسان از آن ها دوری می جست! نباید عادت و حکیم است؛ لذا مخلوق خود را به چیزی امر نمی کند که توانایی انجام آن را نداشته باشد.

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾

خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند.^۱

بنابراین تمام باورها و اصول اخلاقی که خداوند بر انسان نازل کرده، مطابق با فطرت، توانایی و زندگی فردی و اجتماعی اوست؛ لذا هرچه از این اصول بهره گیرد و خود را ملزم به انجام آن بداند، متعالی تر خواهد شد. ما والدین نیز می کوشیم این اعتقادات و باورها را در اختیار فرزندانمان قرار دهیم، لذا از تربیت صحیح فرزندان فروگذاری نکرده و زمینه ایجاد پرورش، تثبیت و تقویت این باورها را فراهم می کنیم. منظور ما از باورها و اعتقادات الهی

✦ سلیقه والدین نسبت به احکام الهی، نیست!

✦ انتقال تفکرات ذهنی والدین به فرزندان، نیست!

✦ انتقال آرمان ها و آرزوها به فرزندان، نیست!

✦ برداشت ما از دین و انتقال آن به فرزندان، نیست!

+ گزیده‌جویی و صرفه‌نگری در دین، نیست!

منظور ما از باورها و اعتقادات الهی، یعنی آنچه که به انجام آن امر شده‌ایم این امر کاملاً واضح و روشن باید در کتاب الهی مشاهده شود یا اینکه پیامبر اکرم ﷺ آن را فرموده باشند یا اینکه در فرمایشات ائمه معصومین (سلام‌الله‌علیهم) مشهود باشد.

بنابراین اصل اعتقادی ممکن است از لحاظ کمی، محدود و اما از لحاظ کیفی، دارای وسعت تمام امور زندگی باشد.

البته در این کتاب کرسیده‌ایم با طبقه‌بندی و رتبه‌دهی به هر آنچه که انسان آن را یک رفتار انسانی می‌داند، موضوعات را اولویت‌بندی و ارزش‌گذاری نماییم تا مواجهه عاقلانه‌تری با آن داشته باشیم.

بسیاری از والدین نگران وضعیت فعلی و آینده فرزندان هستند؛ چرا که:

+ بی‌برنامگی در اتصال بررها و اعتقادات به فرزندان کاملاً مشهود است؛

+ دستوری بودن و اجباری بودن این اصول، بدون در نظر

گرفتن جنسیت و سن فرزندان، کاملاً مشهود است؛

و دلایل گوناگون دیگر که در حد توان تلاش کرده‌ایم به موضوعات کاربردی و فراگیر در فصول مختلف این کتاب اشاره نموده و استدلالات لازم را ارائه نماییم.

البته لازم به ذکر است که تمام آنچه باید گفته می‌شد، گفته نشد؛ لذا آخرین عزیز را به مطالعه دیگر کتب در این خصوص دعوت نموده و آن‌ها را به خالص بزرگ می‌سپاریم.

پیشگفتار

مسئولیت اصلی تعلیم و تربیت فرزندان از بدو تولد، بر دوش والدین است. اگر چه در موضوع تربیت فرزند، والدین هر دو باید حضور فعال داشته باشند، اما طبیعتاً حضور پدر، باتوجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه ما، تا حدودی کم‌رنگ‌تر از مادر است.

این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا هرچه میزان ساعات حضور پدر در خانه کم‌تر باشد، تعامل و تأثیرگذاری او در امر تعلیم و تربیت فرزندان هم کمتر می‌شود؟

آیا میزان با وجود نقش‌ها و وظایف پدر در محیط بیرون از خانه که منجر به ساعات حضور کمتر او در کنار فرزندان می‌شود، به گونه‌ای عمل نمود که بحث تربیت فرزندان از تأثیرات منفی کمتری برخوردار باشد؟

می‌توان گفت پاسخ روشن داده این سؤال وجود ندارد؛ زیرا هستند پدرانی که معمولاً ساعات کمی را در خانه حضور دارند و در همان بازه زمانی کوتاه، از لحاظ روحی و جسمی، به‌طور کامل در کنار اعضای خانواده خود هستند.

اما متأسفانه بعضی از پدران هم ساعات زیادی را در خانه حضور دارند، ولی چندان خود را متوجه و دخیل مسائل تربیتی اعضای خانواده نمی‌کنند. شاید در شرایط بدبینانه بتوان گفت بود و نبودشان در این مواقع تفاوتی ندارد و چندان تأثیرگذار عمل نمی‌کنند.

بنابراین با توجه به توضیحات ارائه شده و دقت در نقش و وظایف پدر در امور اجتماعی و اقتصادی خانواده، در می‌یابیم بحث تربیتی فرزندان بیشتر بر عهده مادر قرار می‌گیرد؛ لذا در خصوص وظایف مادر، سؤالاتی از این قبیل مطرح می‌شود که

✦ نقطه اثرگذاری مادر در مورد بچه‌ها، خصوصاً فرزندان پسر و به‌ویژه

در سنین نوجوانی، کجاست؟

+ به‌طور واضح‌تر، یک مادر باید از خود بپرسد "چه اثر تربیتی بر فرزندان خود می‌توانم داشته باشم؟!"

برای پاسخ به این سؤال، جواب‌های متعددی وجود دارد. اما در این کتاب، ما فقط یکی از پاسخ‌ها را برای آن ارائه می‌دهیم و قصد توضیح آن را داریم. واقع یکی از نقاط اثر تربیتی مادر بر فرزند این است که یک مادر می‌تواند باورهای اخلاق، دینی، تربیتی و هر آنچه که اسم آن اعتقاد و باور است را در فرزند خود به‌وجود آورد، شکل دهد، تثبیت نموده و ارتقاء دهد.

فرزند را باور به‌دنای آورد و می‌تواند باورها و اعتقادات را هم برای او به‌دنیا آورد و در طول پرورش کودک، آن‌ها را شکل دهد، و شرایط ارتقاء هرچه بیشتر آن را فراهم کند.

نگرانی و ناراحتی امروز والدین از این باب است که بسیاری از اعتقادات فرزندان با سرعت زیادی در حال تغییر است و والدین، عموماً مادرها، از چرایی به‌وجود آمدن چنین شرایطی غافل هستند.

در یک باور غلط، بعضی از والدین می‌پندارند هنگامی که فرزندان به ابتدای سن نوجوانی می‌رسند، وظیفه آموزش و تربیت فرزندان که بر عهده آن‌ها بوده است به اتمام رسیده و بعد از آن فرزندشان نیاز چندانی به تربیت و توجه آن‌ها ندارد.

به‌عنوان مثال زمانی که فرزندان پسر دارای ریش و سبیل می‌شوند، مادرها از او تصور یک مرد را دارند؛ یعنی احساس می‌کنند در حوزه تربیت اعتداف و باورها و وظایفشان رو به اتمام است و بعد از آن فرزندشان باید خود در این زمینه تصمیم بگیرد و عمل کند.

اما باید به مادران عزیز تأکید کرد که اینگونه نیست و در دستان شما نقاط اثربخش تربیتی وجود دارد که در دستان پدر نیست.

در واقع فرزندان جریان تربیتی را از سوی مادر به سهولت می‌پذیرند تا از

| چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟ |

سوی پدر؛ زیرا به‌طور فطری، رابطه خاصی بین مادر و فرزند وجود دارد که این عمق از رابطه با پدر وجود ندارد.

فرزند در جسم مادر رشد یافته و در رحم او شکل گرفته است و مادر است که او را به دنیا آورده؛ لذا رابطه عاطفی بین مادر و فرزند شبیه هیچ رابطه دیگری نیست.

البته همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، قصد ما در این نوشتار چگونگی تقویت، تثبیت و رشد باورهای فرزندان توسط والدین است و به دلیل اینکه این بحث به‌طور طبیعی در حوزه نکات اثرگذار تربیتی از سوی مادر قرار می‌گیرد، لذا روی سخن ما در اینمورد با مادران گرامی است.